شاخصه‌های ائمهٔ باطل از منظر حضرت زهرا با تأکید بر خطبهٔ فدکیه ـ فتحیه فتاحی زاده، فریده امینی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال یازدهم، شماره ۴۳ «ویژه پژوهش‌های فاطمی»، تابستان ۱۳۹۳، ص ۷۳ ـ ۹۷

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

شاخصه‌های ائمهٔ باطل از منظر حضرت زهرا با تأکید بر خطبهٔ فدکیه

فتحیه فتاحی زاده *
فریده امینی**

چکیده: خطبهٔ فدکیه یکی از اسناد و مدارک تاریخی مهم مربوط به وقایع صدر اسلام، است که منجر به انزوای کامل امام علی علیه‌السلام از صحنه سیاسی ـ اجتماعی جامعه گردید.

حضرت زهرا سلام الله علیها در خطبهٔ فدکیه به بیان شاخصه‌های ائمه باطل، می‌پردازد. و به مردم همه اعصار خاطر نشان می‌کند که پیامد پیروی از ائمه باطل و سران کفر و نفاق چیزی جز گرفتار شدن به غضب الهی، خسران ابدی و آتش عذاب الهی نیست.

کلیدواژه‌ها: حضرت زهرا سلام الله علیها/ خطبه فدکیه/ ائمهٔ باطل/ نفاق/ کفر.

---

*. دانشیار دانشگاه الزهرا.
**. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا.

۱. مقدمه

خطبه بلند و پرمعنای حضرت‌زهرا سلام‌الله‌علیها در مسجد مدینه که به «خطبه فدکیه» معروف است، به دلیل معارف ناب و نکته‌های ژرف و آموزه‌های فراوانی که در آن است از نفیس‌ترین میراث دینی و معارفی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها به شمار می‌رود.

در فرهنگ شیعه، «فدک» نماد معنایی بزرگ است، که هرگز در محدوده یک قطعه زمین نمی‌گنجد و همین معنا رمزی است که درگیری را از مخاصمه سطحی و محدود، به مبارزه‌ای عمیق تبدیل کرد. منازعه فدک در واقع، فریاد اعتراض یادگار رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به انحراف پدید آمده در جهان اسلام است، «خطبه فدک» علاوه بر قاطعیت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها در حق‌خواهی نسبت به ارث خویش، بیش از پیش بیان روشن دفاع از حضرت علی علیه‌السلام و انتقاد از بی‌وفایی و خیانت مردمان نسبت به حق صریح اهل‌بیت علیهم‌السلام است.

امام‌شناسی یکی از تکالیف بزرگ و مهم اسلامی است. لذا حضرت‌زهرا سلام‌الله‌علیها وظیفه دارد که پس از معرفت خدای متعال و پیامبر، امام و رهبر دینی و آسمانی را به مردم معرفی کند؛ اما در کنار شناخت مفهوم «امام حق» شناخت مفهوم «امام باطل» از ضروریات است، به گونه‌ای که اگر انسان در تشخیص امام حق و باطل دچار اشتباه شود، خسران او حتمی است. مفاهیم متقابل به مصداق قاعده «تُعْرَفُ الأَشْیاءُ بِأَضْدادِها»، کلید مهمی برای فهم یکدیگرند. شناخت مفهوم «امام باطل» در خطبه فدکیه ما را به شناخت هر چه بیشتر مفهوم «امام حق» رهنمود می‌سازد. این پژوهش در صدد است به تبیین مفهوم «امام باطل» از منظر حضرت‌زهرا سلام‌الله‌علیها بپردازد و به پرسش‌های زیر دست یابد:

ویژگی‌های ائمهٔ باطل چیست؟

شگرد ائمهٔ باطل در دعوت به گمراهی چیست؟

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

پیامدهای پذیرش دعوت ائمهٔ باطل چیست؟

۲. واژه‌شناسی «امام»

«امام» از ریشه [امم] مهموز الفاء و مضاعف است و در لغت به معانی زیر آمده است: الف) آنچه مورد اقتدا و تبعیت قرار گیرد «**كلُّ من أُقتُدِيَ بِه، وقُدِّمَ في الأُمور**» (فراهیدی،۱۴۱۰، ج۸، ۴۲۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج۱،۲۱) **ب) مقدّم** (ابن منظور،۱۴۰۴، ج۱۲،۲۴-۲۵) **ج) قیّم و سرپرست** (طریحی، ۱۳۷۵، ج۶،۱۰) **د)** طریق و راه (همان). سه معنای مذکور بی‌ارتباط با یکدیگر نیستند و مفاد لغوی واژه، مطلق است و شامل هر فردی می‌شود که نسبت به عدّه‌ای، مقدّم، مقتدا و سرپرست است (یزدی مطلق،۱۳۸۷، ص ۴۵).

۳. سند خطبهٔ فدکیه

این خطبه از جمله خطبه‌های مشهوری است که عامه و خاصه با سندهای معتبر از حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها روایت کرده‌اند. از جمله احمد بن عبدالعزیز جوهری در تألیف خود به نام «سقیفه و فدک» بنا به نقل ابن ابی الحدید در شرح نهج‌البلاغه، به چهار طریق این خطبه را روایت کرده است:

۱. جوهری از محمد بن زکریا از جعفر بن محمد بن عماره از پدرش از حسن بن صالح بن حی از دو تن از اهل‌بیت بنی‌هاشم از زینب دخت امیرالمؤمنین از مادرش صدیقه طاهره سلام‌الله‌علیها.

۲. جوهری از جعفرابن‌محمدبن‌عماره از پدرش از جعفربن‌محمدبن‌علی‌بن‌الحسین علیهم‌السلام.

۳. جوهری از عثمان بن عمران فجیعی از نائل بن نجیح از عمر بن شمر از جابر جعفی از ابی جعفر محمد بن علی (امام باقر) علیه‌السلام.

۴. جوهری از احمد بن محمد بن یزید از عبدالله بن حسن، معروف به عبدالله محض بن فاطمه بنت الحسین و ابن الحسن المثنی. (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵، ج۱۶، ص۲۱۰)

علی بن عیسی اربلی از بزرگان علمای امامیه در کشف الغمه چنین گفته است:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

من خطبه را از کتاب سقیفه تألیف احمد بن عبدالعزیز جوهری نقل می‌کنم و این، نسخه‌ای قدیمی‌است که در سال۳۲۲ بر مؤلف قرائت و تصحیح شده که با سندهای مختلف روایت کرده است. (مراد سندهای مذکور است) (اربلی،۱۳۸۱، ج۲، ص ۳۰۴).

مسعودی نیز در کتاب مروج الذهب به خطبه فدکیه اشاره نموده است. (مسعودی، ۱۳۶۵، ص۱۲). ابوالفضل احمدبن‌ابی‌طاهر از دانشمندان عصر مأمون عباسی نیز در کتاب بلاغات النساء آن را به چند سند روایت کرده است. (احمد ابن ابی طاهر، بی‌تا، ص ۲۶)

از طریق خاصه، سید مرتضی در کتاب شافی خطبه را به دو طریق نقل فرموده است (طوسی،۱۳۹۴، ج۳، صص۳۹-۱۴۰):

ابن طاووس (م۶۷۳ ه.ق) در کتاب طرائف قسمتی از خطبه را که در احتجاج طبرسی است از سعد بن شهروة در کتاب فائق از شیخ حافظ ثقه و معظم (نزد عامه) احمد بن موسی مردویه اصفهانی ازکتاب مناقب وی از اسحاق بن عبیدالله از شرقی بن قطام از صالح بن کیسان از زهری از عایشه روایت کرده است.

شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (م ۳۸۱ ه.ق) روایت کرده می‌گوید: خبر داد ما را علی بن حاتم از محمد بن اسلم از عبدالجلیل یاقطانی از حسن بن موسی خشاب از عبدالله بن محمد علوی از رجالی یاقطانی از حسن بن موسی خشاب از عبدالله بن محمد علوی از رجالی از اهل‌بیت از زینب دختر امیرالمؤمنین علیه السلام از حضرت زهرا سلام الله علیها.

بدین‌سان بزرگان از دانشمندان امامیه و عامه اشکالی به سند روایت نکرده‌اند؛ مگر این که معاندینی از دشمنان اهل بیت آن را به ابوالعینا محمد بن قاسم اهوازی بصری نسبت داده‌اند (حسینی زنجانی، ۱۳۸۸، ص ۱۹). اعتبار این خطبه نیز به جهت نقل مشایخ امامیه (به ویژه سید علم الهدی) و دانشمندان عامه، موجب حصول درجه اعلای اطمینان به این خطبه شریف است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

۴. فدک

«فدک» قریه آباد و حاصل خیز نزد یهودیان بود، که در نزدیکی مدینه قرار داشت و فاصله آن تا مدینه دو تا سه روز و تا خیبر یک روز راه می‌شد. فدک از طریق صلح و بدون جنگ به پیامبر رسید. سرزمین فدک نسبتاً وسیع بود و سالیانه مبلغ قابل توجهی عایدات داشت. عواید سالیانه فدک را از بیست و چهار تا هفتاد هزار دینار برآورد کرده‌اند (صدر،۱۳۶۰، ص۳۲/ خزعلی ،۱۳۸۵، ص۵۸) پس از آنکه «فدک» در ملک پیامبر قرار گرفت، بنا بر روایات متعدد تاریخی به دستور الهی (وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ) (الاسراء:۲۶) «فدک» به حضرت زهرا سلام الله علیها بخشیده شد (طبرسی،۱۳۷۲، ج۶، ص۶۳۳/ سیوطی،۱۴۰۴، ج۴،۱۴۴) و سپس علی علیه‌السلام مأمور شد که سند آن را بنویسد و غلام پیامبر و «ام ایمن» و حضرت علی علیه‌السلام بر آن شهادت دادند و «فدک» در زمان حیات پیامبر به تصرّف حضرت فاطمه در آمد و درآمد حاصله از «فدک» بین فقرای بنی‌هاشم و مهاجر و انصار تقسیم می‌شد. (خزعلی، ۱۳۸۵، ص ۵۹) بعد از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بنابر آنچه منابع تاریخی گزارش می‌دهند: «عمر به ابوبکر گفت: مردم بندگان دنیایند و جز آن هدفی ندارند .تو خمس و غنایم را از علی بازگیر و فدک را از دستش بیرون بیاور. وقتی دست او را خالی دیدند، رهایش می‌سازند و به جانب تو متمایل می‌شوند» (موسی خوانساری، ۱۳۸۵، ج۱، ص ۱۵۸). خلیفه اول نیز به منظور جلوگیری از نفوذ اجتماعی حضرت زهرا سلام الله علیها و حضرت علی علیه‌السلام و قدرت گرفتن دوباره بنی‌هاشم، وکیل حضرت فاطمه را از «فدک» اخراج کرد و فدک را غصب کرد.

۵. بررسی محتوایی خطبهٔ فدکیه

همانگونه که ذکر شد خطبهٔ فدکیه حضرت زهرا سلام الله علیها اعتراضی به انحراف وقت و برای برگرداندن خلافت عظمای الهی و اصلاح امتی است که با نادیده گرفتن همه زحمات و خون دل‌ها می‌خواهد به جاهلیت نخست خود بازگردد.

وجود «فدک» به نوعی تقویت اقتصادی بنی‌هاشم بود،چرا که منجر به تقویت موقعیت اجتماعی آنان می‌شد و در نتیجه از نفوذ اجتماعی بنی‌امیه، رقیب دیرین بنی‌هاشم در صحن سیاست مدینه می‌کاست، همچنین نفوذ اجتماعی و محبوبیت مردمی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها و حضرت‌علی‌علیه‌السلام را افزایش می‌داد و این خطری بود که هر قریشی که در مدینه به قدرت می‌رسید نمی‌توانست نادیده بگیرد (زورق،۱۳۸۷، ص۶۴۹).

با غصب «فدک» حضرت زهرا سلام الله علیها اگر سکوت می‌کرد، عملاً مشروعیت حکومت جدید را پذیرفته بود و در این صورت امتناع حضرت علی‌علیه‌السلام از بیعت وجاهت اجتماعی خود را از دست می‌داد. از سویی اگر اعتراض می‌کرد در موضع دفاع از منافع شخصی خود قرار می‌گرفت. با این حال حضرت سکوت را جایز ندانست و به جهت اعتراض به عمل حکومت، به ابوبکر مراجعه کرد، حکومت از حضرت برای ادعای خود شاهد خواست و حضرت، ام ایمن و علی‌علیه‌السلام را به عنوان شاهد معرفی کرد، و با اقامه شهود دستور استرداد فدک به حضرت فاطمه سلام الله علیها صادر شد. اما پس از خروج حضرت فاطمه سلام الله علیها و مطلع شدن عمر، وی با خشونت، نوشته ابوبکر را از دست حضرت گرفت و آن را از بین برد، ابوبکر این رفتار عمر را توجیه کرد و خطاب به حضرت‌فاطمه گفت: «یا باید غیر از علی یک شاهد مرد دیگری بیاوری و یا علاوه بر ام ایمن یک زن دیگر شهادت بدهد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۲، ص۴۹۸/ طبرسی، ۱۴۰۳، ج۱، ص ۲۱۵).

هنگامی که گفتگوی‌های حضرت علی‌علیه‌السلام و حضرت زهرا سلام الله علیها با حکومت بی‌نتیجه ماند، حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها تصمیم گرفت بی‌واسطه با مردم سخن بگوید و نقاب از چهره پیشوایان باطل کنار بزند؛ از این رو حضرت زهرا سلام الله علیها در مسجد و در حضور نخبگان سیاسی و توده مردم (اعم از مهاجران و انصار) سخنانش را با تاریخ و مردم بزند...

حضرت زهرا سلام الله علیها سخنانش را با ستایش خداوند و سپاس از نعمت‌های او

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

آغاز کرد و با شهادت به یگانگی خدا و رسالت پیامبرﷺ ادامه داد:

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ، وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ، وَ الثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ مِنْ عُمُومِ نِعَمٍ ابْتَدَأَها ... وَ أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةٌ جُعِلَ الْإِخْلَاصُ تَأْوِيلَهَا ... وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّداً ﷺ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، اخْتَارَهُ وَ انْتَجَبَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ، وَ سَمَّاهُ قَبْلَ أَنِ يَجْتَبِلَه ...

خداوند را بر آنچه ارزانی داشت، سپاسگزار و براندیشه نیکو که در دل نهاد، شاکر و بر نعمتهای فراگیرش ثنا می‌گویم. نعمت‌هایی که از چشمه لطفش جوشید... گواهی می‌دهم جز خدای یکتا و بی‌همتا خدایی نیست. این کلمه – شهادت به یگانگی خداوند– کلمه‌ای است که اخلاص تأویل آن است... شهادت می‌دهم پدرم محمّد بنده خداوند و پیامبر اوست. او را پیش از آنکه به پیامبری بفرستد اختیار نمود و برگزید و هم او را پیش از آفرینش به انبیا و امت معرفی کرد...

۵-۱. هدف از بعثت حضرت رسول اکرمﷺ

مهم‌ترین هدف بعثت پیامبر، پیدایش انسان «خودآگاه» و «خدا آگاه» بود، خود آگاهی به معنای شناخت ساختمان سرشتی خود و ظرفیت بالقوه‌ای که در وجود آدمی به ودیعه نهاده شده است و خدا آگاهی به معنای شناسایی هدف نهایی سیر فردی و اجتماعی انسان در حرکت تاریخی خود به سوی خداست. حضرت زهرا سلام الله علیها در خطبه فدکیه به این هدف و رسالت الهی اشاره می‌کنند.

طبیعتاً برای رسیدن به این هدف اصلی اهداف فرعی دیگری از جمله نفی هر گونه ستم فردی و اجتماعی، برادری، برابری، تأمین حقوق مستضعفان و به رسمیت شناخت آنها، مبارزه با فساد، جهل و استبداد و... مورد نظر بود که رسیدن به این اهداف فرعی منجر به پیدایش انسان خود آگاه و خدا آگاه می‌شود. (زورق،۱۳۸۷، ص۴۶۶)

۵-۲. نهادهای مدینة النبی

۱. نبوت، مدینه‌النبی چند سنگ بنا داشت: پیامبر به عنوان پرچم‌دار جامعه اسلامی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

پیام‌آور وحی الهی و مجری احکام الهی است.

۲. ولایت، ولایت به معنای احترام به حق پیشوایی امامی منصوب از سوی خداوند که پیشوای مردم در سیر صعودی خلق به سوی خداست و نیز به معنی استفاده از ظرفیت وجودی او برای تضمین سلامت و صحت این سیر است.

۳. اختیار و حق تعیین سرنوشت هر کس به دست خود او.

۴. مشارکت عمومی.

کوشش‌های جدی پیامبرﷺ در راه نهادینه کردن این مفاهیم شکل گرفت، ولی پس از او با تضعیف این نهادها، ارتجاع در چهره اسلام بر تاریخ نمایان شد. (زورق،۱۳۸۷، ص ۴۶۹)

امام هر زمان و هر امت کسی است که از دیگران در انجام دستورات الهی تواناتر، به رمز و راز حیات داناتر، از همه مردم عادل‌تر، روح او با خودسازی و تقوا از همه زیباتر و در راه معماری جامعه اسلامی از همه خلاق‌تر باشد. در جامعه اسلامی وظیفه همه شناسایی امام و فرمانبری از او در راه پرستش خدا و رسیدن به سعادت است.

به همین دلیل حضرت زهرا سلام الله علیها امام را به کعبه تشبیه می‌کند و می‌فرماید: مثل امام چون کعبه است (بحرانی، ۱۳۷۸، ص۵۳۳) همان‌گونه که مردم با عشق و اشتیاق و از روی آگاهی و شناخت و در کمال آزادی و اختیار به سوی کعبه می‌روند و به دور او طواف می‌کنند، همان‌گونه نیز بیعت مردم با امام باید از روی عشق و آگاهی و آزادی باشد و با طواف امت به گرد امام خویش، امور مردم نظم پیدا کند. از همین رو حضرت زهرا سلام الله علیها ضمن بیان فلسفه احکام از اصل امامت سخن گفت و آن را در کنار عدل و جهاد موجب پیوستن دلها، نظم امور ملّت، ایمنی از تفرقه و عزت اسلام نامید.

فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ... وَ الْعَدْلَ تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ، وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمَامَتَنَا أَمَاناً مِنَ الْفُرْقَةِ، وَ الْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ...

از آنجا که در عصر فرهنگ شنیداری و ارتباط شفاهی و ضعف فرهنگی اکثریت مطلق مردم، امکان شناخت امام برای همه وجود نداشت، پیامبر به دستور خداوند به مردم

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

کمک کرد، تا در موقعیت‌های مختلف امام خویش را بشناسند و حتی در گفتگوهای خود با مردم به امامانی که در اعصار بعد یکی بعد از دیگری خواهند آمد نیز اشاره کرد[۱].

در یک تقسیم‌بندی کلی، طرفداران و پذیرندگان دعوت محمدی را می‌توان به سه قطب تقسیم کرد:

قطب اول از مجموعه نیروهایی تشکیل می‌شود که زندگی خود را فدای اسلام کردند و از همه منافع شخصی خود در راه پیروزی اسلام گذشتند.

قطب دوم از مجموعه افرادی تشکیل شده بود که اسلام آورده و پا به پای آن نیز پیش رفته‌اند، هرجا خطر نیست آنها با قدرت و شهامت ایستاده‌اند و هرجا که خطر سایه‌انداخته، آنها به نرمی گریخته‌اند. و گاه در آخرین صفوف سپاه و یا گریزان و پنهان از چشم دوست و دشمن هستند[۲]، حضرت زهرا در بیان اوصاف آنها در خطبه فدکیه می‌فرماید:

...وَ أَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَةٍ مِنَ الْعَيْشِ، وَادِعُونَ فَاكِهُونَ آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرَ، وَ تَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ، وَ تَنْكِصُونَ عِنْدَ النِّزَالِ، وَ تَفِرُّونَ مِنَ الْقِتَالِ...

قطب اول و دوم متشکل از مهاجر و انصار می‌باشند از طرفداران اسلام هستند.

انصار لقب دو قبیله اوس و خزرج است که از جانب رسول اکرمﷺ به این لقب مشرف شدند؛ زیرا آنان به هنگام مهاجرت حضرت به مدینه به یاری و از آن حضرت قیام کردند. امام علیؑ در توصیف انصار می‌فرماید: «به خدا سوگند انصار اسلام را پرورش دادند» خداوند دین خود را به وسیله آنان یاری فرمود و به وسیله آنان اسلام را که در نهان بود، آشکار ساخت. اگر آنان نبودند، مهاجران هرگز توان جنگیدن با قریش و عرب در حمایت از رسول اکرمﷺ را نداشتند. اگر مدینه جایگاه انصار نبود هرگز

---

۱. اشاره به حدیث اثنی عشر.

۲. اشاره به فرار عده‌ای در جنگ اُحد و حنین (رک: حسینی زنجانی ،۱۳۸۸،ص ۲۳۵-۲۳۷؛ عسکری، ۱۳۸۸،ج۲،ص ۷۴).

پناهگاهی برای مهاجران نبود. (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵،ج۲۰، ص ۱۸۴)

حضرت زهرا سلام الله علیها در بیان ویژگی‌های انصار در خطبه فدکیه می‌فرماید:

يَا مَعَاشِرَ النَّقِيبَةِ. وَ يَا عِمَادَ الْمِلَّةِ وَ حِصْنَةَ الْإِسْلَامِ ... وَ أَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكِفَاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَ الصَّلَاحِ، وَ النُّخْبَةَ الَّتِي انْتَخَبَتْ، وَ الْخِيَرَةُ الَّتِي اخْتِيرَتْ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.قَاتَلَكُمُ الْعَرَبَ، وَ تَحَمَّلْتُمُ الْكَدَّ وَ التَّعَبَ، وَ نَاطَحْتُمُ الْأُمَمَ، وَ كَافَحْتُمُ الْبُهَمَ، لَا نَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ، نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتَمِرُونَ، حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الْإِسْلَامِ، وَ دَرَّ حَلَبُ الْأَيَّامِ، وَ خَضَعَتْ ثَغْرَةُ الشِّرْكِ، وَ سَكَنَتْ فَوْرَةُ الْإِفْكِ، وَ خَمَدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ، وَ هَدَأَتْ دَعْوَةُ الْهَرْجِ، وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ...

هدف حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها از بیان اوصاف انصار چون بازوان دین (اعضاد الملّة)، نگهبانان اسلام (حَضَنة الاسلام)، متصف به نبرد و دلیری (موصوفون بالکفاح)، برگزیدگان و انتخاب شده‌ها (النخبةُ التی انتخبَت) و... تهییج آنان با ذکر سابقه‌های درخشانی است که انصار داشتند؛ با این همه باید گفت معیار حساب کار، فرجام آن است، حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها خطاب به انصار می‌فرماید: در شما استعداد قیام علیه حکومت جائر وجود دارد «وَ لَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أُحَاوِلُ، وَ قُوَّةٌ عَلَى مَا أَطْلُبُ وَ أُزَاوِلُ... وَ أَنْتُمْ ذَوُو الْعَدَدِ وَ الْعُدَّةِ، وَ عِنْدَكُمُ السِّلَاحُ وَ الْجُنَّةُ» و با استناد به آیه کریمه سوره توبه (أَ لا تُقاتِلُونَ قَوْماً نَكَثُوا أَيْمانَهُمْ وَ هَمُّوا بِإِخْراجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدَؤُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَ تَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) (التوبه:۱۳) از آنان درخواست قیام علیه ظلمی‌که بر خاندان پیامبرﷺ رفته است را می‌کند، همچنین حضرت با استناد به آیه کریمه سوره آل عمران (وَ ما مُحَمَّدٌ إِلاَّ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَ فَإِنْ ماتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلى أَعْقابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلى عَقِبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ) (آل عمران:۱۳) فضایی مشابه جنگ اُحد را برای ایشان ترسیم می‌کند با این تفاوت که در جنگ اُحد، خبر مرگ رسول اکرمﷺ شایعه‌ای بیش نبود، اما این بار واقعیت دارد، در آن صحنه دشمن بی‌نقاب در معرکه جنگ بود اما این بار دشمن با نقاب اسلام در صحنه است (حسینی زنجانی،۱۳۸۸،ص ۳۰۵). اما هوای ریاست مجال نداد که به یاری حضرت زهرا سلام الله علیها برخیزند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

قطب سوم افراد محافظه کاری هستند که پس از فتح مکه ایمان آورده‌اند، اغلب چهره‌های سیاسی بودند که با اسلام مخالفت و حتی مبارزه کرده‌اند و از آنها شکست خورده‌اند، این قطب در جستجوی جبران منافع از دست رفته خویش هستند. آنها چون منافعی در زمان فعلی برای اهداف خود نمی‌بینند در جستجوی منافع خود در آینده‌اند، آینده‌نگر، فرصت‌طلب و محاسبه‌گرند و در صورتیکه بخواند متحدانی برای خویش پیدا کنند، این متحدان سیاسی را در میان قطب دوم خواهند یافت. (زورق،۱۳۸۷، صص ۵۲۲-۵۷۰)

قطب اول، حول محور شخصیت علی‌علیه‌السلام شکل گرفته بود، حضرت گذشته از آنکه شخصاً انسان برگزیده و ممتازی بود که خداوند از لحظه ولادتش توجه خاص خود را به او نمایش نهاده بود، از نظر اجتماعی نیز بارها رسول اکرم، پیشوا بودنش را در موقعیت‌های مختلف خاطر نشان کرده بود[۱]. اما هیچگاه این پیشوایی را بر مردم تحمیل نکرده بود و مردم را کاملاً آزاد گذاشت تا با استفاده از حق آزادی و اختیار خود، علی‌علیه‌السلام را و مسیر زندگی خویش را انتخاب کنند. حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها در خطبه فدکیه در مواضع مختلف به شرح فداکاری‌های حضرت علی‌علیه‌السلام در راه اسلام و ویژگی‌های حضرت می‌پردازد:

... كُلَّما أَوْقَدُوا ناراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ، أَوْ نَجَمَ قَرْنٌ لِلشَّيْطَانِ، وَ فَغَرَتْ فَاغِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَذَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكَفِئُ حَتَّى يَطَأَ صِمَاخَهَا بِأَخْمَصِه، وَ يُخْمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِه، مَكْدُوداً دؤوبا فِي ذَاتِ اللَّه، وَ مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّه، قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُشَمِّراً نَاصِحاً، مُجِدّاً كَادِحاً، لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةُ لَائِم...

گروهی که پیرامون شخصیت علی‌علیه‌السلام شکل گرفته بود، ساختمان قومی نداشت، بلکه بافت فراقومی داشت. به عبارتی پیرامون علی‌علیه‌السلام یک امّت شکل گرفته بود، در این

---

۱. اشاره به آیات و احادیثی که در شأن امیرالمؤمنین از پیامبر ذکر شده است، مانند: آیه تطهیر (الاحزاب :۳۳)؛ آیه ولایت (المائده:۵۵)؛ آیه اولی الامر (النساء :۸۳)؛ آیه مباهله (آل عمران:٦١)؛ آیه تبلیغ (المائده:٦٧)؛ حدیث یوم الدار، حدیث خیبر، حدیث سفینه، حدیث منزلت، حدیث ثقلین، حدیث غدیر.

امّت، بلال از حبشه، سلمان و میثم از ایران در کنار مقداد از چهره‌های عرب به چشم می‌خورند، در حالی که طیف‌های سیاسی که حول قطب دوم و سوم شکل گرفته بودند، بافت قومی داشتند. در قطب سوم گذشته از انگیزه‌های نژادی، همگرایی عشیره‌ای نیز به چشم می‌خورد و بسیار ای از فعالان این قطب بنی‌امیه و متحدان آن بودند. (زورق ،۱۳۷۸، ص۵۷۶)

۵-۳. آشکار شدن چهرهٔ نفاق و کفر

در لحظاتی که پیکر پیامبرﷺ دفن می‌شد، عملاً نیز توصیه‌های او درباره ولایت علی‌علیه‌السلام نیز -که مسیر حرکت سیاسی جامعه اسلامی‌را تبیین می‌کرد —دفن شد.

مسئله‌ای که انصار را بر سر دو راهی تصمیم‌گیری برای بیعت با علی‌علیه‌السلام قرار می‌داد سایه شمشیر خالد ابن ولید و برنامه‌ریزی خلیفه دوم بود که بر مدینه افتاده بود، حقیقت این بود که انصار از پذیرش رهبری خلیفه اول نگرانی نداشتند بلکه بیم آنها از اشراف قدرت گرفته قریش -قطب سوم- که به صورت یک حزب سازمان یافته سیاسی در آمده بودند، بود و در پی این نگرانی در سقیفه بنی‌ساعده گردهم آمدند تا برای خود رهبری مستقلی به وجود آورند (زورق،۱۳۸۷، ص۶۳۹) امّا کوشش آنان به دلیل اختلافات کهن قبایل اوس و خزرج و اقدامات خلیفه دوم شکست خورد، آنها با شعار «خلافت از قریش، وزارت از انصار» کوشیدند نگرانی انصار نسبت به تحولات جدید را برطرف کنند و در نتیجه هنگامی‌که انصار تضمین کافی در باره امنیت، حرمت و مشارکت در فرآیند سیاسی را یافتند با ابوبکر بیعت کردند (عسکری، ۱۳۸۸، صص ۵۵-۶۶).

در هنگام رحلت پیامبرﷺ محور اصلی قطب سوم ابوسفیان، برای کسب امتیازات سیاسی از جمله کسب وجهه اسلامی به خانه علی‌علیه‌السلام روی می‌آورد و می‌خواهد که با حضرت بیعت کند، اما حضرت در جواب می‌فرماید: تو در پی کاری هستی که ما اهل آن نیستیم، تو جز فتنه و آشوب هدف دیگری نداری. تو مدّت‌ها دشمن اسلام بودی، مرا به تو نیازی نیست (ابن ابی الحدید،۱۳۸۵، ج۲، ص ۴۵).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

مسائل سیاسی، خالد ابن ولید سردار بزرگ ابوسفیان در جنگ اُحد را از لحظه وفات پیامبرﷺ در کنار محور ابوبکر- عمر داد، و او با کاردانی و بی‌رحمی، هر گونه مخالفتی را که با قدرت جدید صورت می‌گرفت، سرکوب می‌کرد.

خلیفه دوم دلگرم از حمایت نو مسلمانان و نخبگان سیاسی قطب دوم و سوم و با توجه به پیروزی درخشانی که در سقیفه به دست آورد و در نتیجه آن زمینه بسیار مساعدی به نفع قدرت جدید در مدینه به وجود آمد، تصمیم گرفت تکلیف مهاجرانی را که هنوز بیعت نکرده بودند، یکسره کند. به همین منظور پس از چند روز که پایه‌های حکومت شکل گرفت و مدینه در برابر خلافت، خلیفه اول خضوع کرد، خانه حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها که محل تجمع حامیان ولایت علی‌علیه‌السلام شده بود، مورد هجوم واقع شد و امام علی‌علیه‌السلام با زور برای بیعت به مسجد برده شد! این امر به جهت پایین آوردن منزلت اهل‌بیت صورت گرفت.

۵-۳-۱. ویژگی‌های ائمهٔ باطل

حضرت زهرا سلام الله علیها در خطبه فدکیه به بیان ویژگی‌های ائمه باطل می‌پردازد و خطاب به مردم به می‌فرماید:

أَنْتُمْ عِبَادَ اللَّهِ نُصْبُ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ، وَ حَمَلَةُ دِينِهِ وَ وَحْيِهِ، وَ أُمَنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَ بُلَغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَمِ، وَ زَعَمْتُمْ حَقٌّ لَكُمْ ؟

حضرت زهرا سلام الله علیها به جایگاه حاضرین به عنوان کسانی که حضور پیامبر را درک کرده بودند و وظیفه آنها در قبال امر و نهی الهی و ابلاغ پیام الهی اشاره کرده و در ادامه می‌فرماید: خداوند شما را شایسته چنین مقامی قرار دارد، اما لایق آن نبودید و بر خلاف امر الهی عمل کردید و برای این مطلب تعبیر «زَعَمْتُمْ حَقٌّ لَكُمْ» را به کار می‌برند، «زعم» در لغت به معنای سخنی است که در مظان و معرض دروغ و باطل باشد (راغب اصفهانی،۱۴۱۲، ص۳۸۰) و از این همه کاربردهای این واژه در قرآن کریم به صورت مذمّت نسبت به گویندگانش آمده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

کلام حضرت در مقام اعتراض به حضار است و اشاره به اینکه شما رعایت امر الهی را نکردید و مسیر دین خدا را پس رحلت رسولش منحرف ساختید؛ هم در مورد قرآن کریم و هم در مورد اهل بیت پیامبرﷺ خُلف وعده کردید «لِلَّهِ فِيكُمْ عَهْدٌ قَدَّمَهُ إِلَيْكُمْ، وَ بَقِيَّةٌ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُم»؛ چرا که این دو جانشینان بعد از پیامبرﷺ بودند و پیامبرﷺ در موردشان فرمود: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمُ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي أَلَا وَ هُمَا الْخَلِيفَتَانِ مِنْ بَعْدِي وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْض» (ابن بابویه،۱۳۶۲، ص۴۱۵).

حضرت زهرا سلام الله علیها با تلفیق آیات۱۲ و۱۳ سوره مبارکه توبه «أَ لا تُقاتِلُونَ قَوْماً نَكَثُوا أَيْمانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِم» به معرفی افرادی می‌پردازد که پس از فسق و تجاوز توبه کرده و قوی‌ترین ارکان جامعه دینی یعنی نماز و زکات را بپا داشتند و جزو جامعه اسلامی محسوب شدند (التوبه:۸-۱۱) اما بعد از آن پیمانی را که با زمامدار مسلمانان داشتند شکستند. «نکث» در لغت به معنای نقض عهدی است که لازم الوفاست و «اَیمان» به معنای قسم است، اما در مفهوم آن شدت و قوت بیشتر نهفته است (مصطفوی،۱۳۶۰، ج۱۲، ص۲۲۳). همه این موارد در کنار هم بیانگر اهمیت پیمانی است که آنها نقض کرده‌اند. قرآن کریم از این قوم تعبیر به «أَئِمَّةَ الْكُفْر» کرده است.

واژه «کفر» در آیه مذکور به صورت اسم به کار رفته که هدف الهی برای نشان دادن اتصاف این افراد به ویژگی کفر و تداوم کفر در وجودشان را نشان می‌دهد. (سامرائی،۱۴۳۰، ص۳۰)؛ این افراد دارای کفر باطنی و ایمانی ظاهری بودند که خداوند آنان را دو چهره، دروغگو (المنافقون:۱)، فاسق و مستکبر معرفی می‌کند (المنافقون:۶) آنهایی که عامه مردم را از راه دین برمی‌گردانند، در حالی که خود را در پشت سپر سوگندهای دروغینشان حفظ می‌کنند(المنافقون:۲)؛ خداوند سبب این کارشان را کفر آنها عنوان می‌کند (المنافقون:۳). خداوند دستور پیکار و قتل آنان را صادر می‌کند، چرا که آنها نه تنها خود گمراهند، بلکه سبب گمراهی و ضلالت دیگران را فراهم می‌سازند (طباطبایی،۱۴۱۷، ج۵، ص۱۵۹؛ طبرسی،۱۳۷۲، ج۵، ص۱۸؛

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

طیب، ۱۳۷۸، ج۶، ص۱۸۶). و با این کار خود موجب اختلال و سلب اطمینان و تزلزل امور و توقف جریان‌ها، در جامعه می‌شوند (مصطفوی،۱۳۶۰، ج ۱۲، ص۲۲۳).

حقیقت لغوی واژه کفر به معنای ستر و پوشاندن است (مصطفوی،۱۳۶۰ ،ج۱۰، ص۷۸). منظور از پوشش، ستر و پوشاندنی است که مانع از درک حق و حقیقت شده و آدمی را در مسیر لغزشهای دیگر چون نفاق، شرک، فسق، کبر، گمراهی و ... قرار می‌دهد.

حضرت زهرا سلام الله علیها نفاق درونی آنان را عامل گمراهی و انحرافشان از دین معرفی می‌کند: «ظَهَرَ فِيكُمْ حَسِيكَةُ النِّفَاقِ» خار نفاقی که در باطن داشتند، پس از رحلت پیامبرﷺ آشکار شد و آن توطئه‌ها و فعالیت‌های سری که در جهت واژگون‌سازی اسلام داشتند به صورت آشکار ظاهر شد.

مفهوم نفاق عبارت است از اقرار به ایمان به زبان و عدم اعتقاد به آن در قلب. نفاق از نظر لغوی راه زیرزمینی و پنهانی است به همین جهت در زبان عرب، به تونل، نَفَق می‌گویند، یعنی راهی که پنهان است و ورودی و خروجی دارد (راغب اصفهانی،۱۴۱۲، ص ۸۱۹) قرآن منافق را فاسق نیز نامیده است. فسق در لغت به معنای خروج رُطَب از پوست است (راغب اصفهانی،۱۴۱۲، ص۶۳۶)، کسی که از چهارچوب آداب شریعت خارج شود گرچه اعتقاد به آن هم داشته باشد در فرهنگ قرآن به عنوان فاسق شناخته می‌شود. بنابراین منافق و فاسق در یک ویژگی مشترکند: خارج شدن از پوسته دین و دچار شدن به فساد و تباهی. نفاق نقاط مشترک بسیار با کفر دارد زیرا که نفاق یک نوع بی‌ایمانی و بی‌اعتقادی است، چنانچه در خود قرآن منافق وکافر هر دو دشمن خدا شمرده شده‌اند. عقوبت مشابه (النساء:۱۴۰؛ التوبه: ۶۸) درمورد کفر و نفاق نشان می‌دهد که هر دو از لحاظ درجه و ماهیت گناه یکسان هستند، چرا که جایگاه منافقان جهنم است.

حضرت زهرا با اشاره به گمراهی ائمه باطل، به غوایت آنان اشاره می‌کند: «نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِين». غوایت در لغت به معنای دور افتادن از راه راست و منحرف شدن است

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

(مصطفوی،۱۳۶۰، ج ۷، ص ۲۸۵). برای حرکت در مسیر حق، هم باید مسیر مشخص باشد و هم هدف، فردی که راه را گم کند ضال است و اگر بی‌هدف بود غاوی؛ البته هرغاوی ضالّ هم خواهد بود؛ زیرا راه، فرع بر هدف است و اگر هدف نبود، راه هم نیست (جوادی آملی،۱۳۸۴، ص۳۲۸). بی‌هدف کردن انسانها هدفی است که ائمه باطل از منظر حضرت زهرا سلام الله علیها دنبال می‌کنند.

از عواقب گمراهی و دور شدن از حق، شرک است (راغب اصفهانی،۱۴۲۱/۴۱۵) و نفاق به عنوان مصداق شرک، زمینه شدّت شرک را فراهم می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج۲، ص۲۶۱). از این رو حضرت زهرا سلام الله علیها خطاب به حضار می‌فرماید: «أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَان» ایمان صرف پذیرش خدا به زبان نیست، بلکه نجات از شرک‌های گوناگون و رسیدن به عروة الوثقی، واقعیت توحید را تشکیل می‌دهد، هر کس در برابر حجت‌های منصوب الهی قد علم نمود، خود از بزرگ‌ترین طاغوت‌هاست و از ارکان توحید، نفی طاغوت است. لذا حضار مورد خطاب حضرت زهرا سلام الله علیها در برابر حکومت حق امام علی علیه‌السلام قد برافراشتند و به حکم قرآن (در باطن) مشرک محسوب می‌شوند هر چند به ظاهر کلمه توحید را بر زبان جاری سازند. (حسینی زنجانی،۱۳۸۸،صص ۳۰۹-۳۱۰)

فردی که حق را در غیر محل خود قرار می‌دهد و باطل را بر می‌گزیند ظالم است و کار وی ظلم محسوب می‌شود همان چنانکه حضرت زهرا سلام الله علیها در ضمن ایراد خطبه بارها بر باطل بودن رفتار ایشان تأکید کرده‌اند «هَدَرَ فَنِيقُ الْمُبْطِلِين» «و عند الساعة يَخْسَرُ الْمُبْطِلُون» «وَ خَسِرَ هُنالِكَ الْمُبْطِلُون» و آنان را با استناد به آیات قرآن کریم، ظالم نامیدند «بِئْسَ لِلظَّالِمينَ بَدَلاً» «وَ سَيَعْلَمُ الَّذينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُون». ظلم در لغت به معنای نهادن چیزی در غیر جای ویژه خود، تجاوز از حد، و انحراف از میانه روی آمده است (ابن منظور،۱۴۱۴، ج۲، ص۲۴۵۹) و در اصطلاح، جور و تجاوز از حد است (راغب اصفهانی،۱۴۱۲، ص۵۳۸). در قرآن از مقررات و قوانین مربوط به رفتار انسان که خداوند مقرر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

کرده است به «حُدُودُ اللَّه» تعبیر شده است و آن کسی که از این حدود تجاوز می‌کند ظالم است. (البقره:۲۲۹؛ الطلاق:۱)

شخصی که از حدود خویش پای را فراتر می‌نهد احساس قدرت، تکبر و بی‌نیازی (استغنی) می‌کند؛ کسی که خود را بی‌نیاز از همه پندارد (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲،۶۱۵). طبعاً گرایش پیدا می‌کند که در همه امور بر همنوعان خود تحکم ورزد و می‌خواهد در نهایت خود کاملگی و استبداد قدرت خود را بر آنان اعمال می‌کند.

در مجموع می‌توان گفت: حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها، با توجه به اهمیت نفاق و کفر و ارتباط نظام‌مندی که این دو مفهوم با دیگر مفاهیم هم حوزه خود برخوردار هستند، درصدد معرفی ویژگی‌های ائمه باطل است به جهت جلوگیری از نقشی که نفاق در جامعه ایفا می‌کند که در نهایت به کفر می‌انجامد.

۵-۳-۲. شگرد ائمۀ باطل در دعوت به گمراهی

در قرآن کریم عالم وجود به حصر عقلی به حق و باطل (یا ضلال) تقسیم می‌شود و ماوراء حق همه مصادیق مشمول عنوان ضلال و باطل قرار می‌گیرد (یونس:۳۲) حق و باطل در دنیا آمیخته شده است. در این میان ائمه باطل در تلاشند هم حق را لباس باطل بپوشانند تا کسی به آن گرایش پیدا نکند وهم باطل را به لباس حق بیارایند، که حالت اول را «تلبیس» و حالات دوم را «تسویل» گویند.

تلبیس از ماده [لبس] است که اگر به فتح لام باشد «لَبسْ» به معنی اشتباه است و در اصطلاح به معنای ملتبس و مشتبه کردن حق به وسیله باطل است و اگر به ضم لام باشد «لُبسْ» به معنای پوشاندن و در اصطلاح به معنای مستور ماندن حق بوسیله پوشش باطل است. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج۱۰، ص۱۶۰)

تسویل از ماده [سول] به معنی تزیین نفس است و جلوه دادن چیزهایی که نفس بر آنها حریص است و تصویر نمودن قبح و زشتی برای او به صورت حسن و خوبی است (راغب اصفهانی،۱۴۱۲، ص ۴۳۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج۵، ۲۷۴)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

پس از آنکه حضرت زهرا سلام الله علیها با استناد به آیات کریمه قرآن حق غصب شده خویش یعنی فدک را ادعا می‌کند، خلیفه اول در نهایت تلبیس با پوشاندن حق و با ذکر کلمات در ظاهر متواضعانه، عواطف جمع را علیه حضرت بسیج می‌کند و به نوعی رفتار حضرت را مخالف سیره پدر بزرگوارش که رئوف و رحیم بود «لَقَدْ كَانَ أَبُوكِ بِالْمُؤْمِنِينَ عَطُوفاً كَرِيماً رَءُوفاً رَحِيماً» نشان می‌دهد، تا این نکته را برساند که چرا شما بر خلاف رأفت پیامبرﷺ، سوابق مهاجر و انصار را فراموش کرده و این گونه آنان را سرزنش می‌کنید.

خلیفه اول می‌خواست خطاب عتاب آمیز حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها را که هدفی جز دلسوزی برای امت نداشت، به صورت قدر نشناسی از مجاهدان صدر اسلام منعکس سازد. وی اموال خود را به رخ حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها می‌کشد: «وَ هَذِهِ حَالِي وَ مَالِي هِيَ لَكِ وَ بَيْنَ يَدَيْكِ... حُكْمُكِ نَافِذٌ فِيمَا مَلَكَتْ يَدَايَ» تا وانمود کند که غرضی جز اجرای فرمان پیامبرﷺ نیست و هرگز قصد خیانت و عداوت با خاندانش را ندارد.

آنگاه و در این راستا روایتی به رسول اکرمﷺ نسبت می‌دهد «أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِﷺ يَقُولُ نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورَثُ ذَهَباً وَ لَا فِضَّةً وَ لَا دَاراً وَ لَا عَقَاراً وَ إِنَّمَا نُورَثُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ الْعِلْمَ وَ النُّبُوَّةَ وَ مَا كَانَ لَنَا مِنْ طُعْمَةٍ فَلِوَلِيِّ الْأَمْرِ بَعْدَنَا أَنْ يَحْكُمَ فِيهِ بِحُكْمِهِ»، تا بر صدق ادعای خویش تأکید کند.

سپس جهت فریب مردم می‌گوید: اخذ فدک تصمیم فردی نبود و مسلمانان اجماع کردند «ذَلِكَ بِإِجْمَاعٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ لَمْ أَنْفَرِدْ بِهِ وَحْدِي وَ لَمْ أَسْتَبِدَّ بِمَا كَانَ الرَّأْيُ عِنْدِي» در حالیکه در هیچ کجای تاریخ در مورد اجماع در مورد فدک سخنی به میان نیامده است، شاید به گمان خلیفه سکوت مردم در قبال غصب فدک اجماع محسوب می‌شود! (حسینی زنجانی ، ۱۳۸۸، صص۳۲۳-۳۲۵)

حضرت زهرا سلام الله علیها با استناد به قرآن کریم علت رویگردانی مردم از حق را

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

تبعیت از هوای نفس ذکر می‌کنند (بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرا) (یوسف:۱۸) گفتیم که تسویل در لغت به معنای تزیین نفس است: امری که اغلب از جانب ائمه باطل به جهت گمراهی مردم از حق صورت می‌گیرد. ائمه باطل گناهان را در چشم مردم زینت می‌دهند و به نوعی با فریب دادن مردم آنان را از حق دور می‌کنند، انسان بر اثر اغوای ائمه باطل گاهی نقمت را نعمت پنداشته، به آن دل خوش می‌دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ج۱، ص ۵۲۸) و گرفتار فتنه ائمه باطل می‌شود.

فتنه در لغت به معنای آن چیزی است که موجب اختلال همراه با اضطراب می‌شود و هر آنچه که موجب این دو امر شود فتنه است. از مصادیق فتنه می‌توان به ظلم، کفر و شرک اشاره کرد، زیرا در حق و حقیقت اختلال ایجاد می‌کنند (مصطفوی،۱۳۶۰، ج۹، ص۲۳) ائمه باطل با شعار جلوگیری از فتنه «ابْتِدَاراً زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَة» غوغای سقیفه را به راه انداختند تا به تبلیغات خود از گمراهی مردم جلوگیری کنند، در حالی که حضرت زهرا سلام الله علیها با استناد به آیه قرآن این عمل ایشان را عین فتنه ذکر می‌کنند (أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُواْ وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةُ بِالْكَفِرِين) (التوبه :۴۹) آتشی که افروختند در محو سنن پیامبر و نابودی اهل بیتش در واقع پاسخی بود که به فتنه‌ها دادند و در اصل پاسخ مثبت به شیطان رجیم بود «ثُمَّ أَخَذْتُمْ تُورُون وَقْدَتَهَا وَ تُهَيِّجُونَ جَمْرَتَهَا وَ تَسْتَجِيبُونَ لِهُتَافِ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ وَ إِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ وَ إِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ تَشْرَبُونَ حَسْواً فِي ارْتِغَاءٍ»

۵-۳-۳. پیامدهای پذیرش دعوت ائمهٔ باطل

از کلام حضرت زهرا سلام الله علیها و آیاتی که در خطبه فدکیه به آنها استناد می‌کنند، چنین برداشت می‌شود که پذیرش دعوت ائمه باطل آثار و عواقبی دارد که در دنیا و آخرت، هم در مورد دعوت کننده و هم در مورد پذیرنده دعوت، ظهور دارد. عذاب و پیامدی که وقوع آن حتمی‌است (لِكُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ وَ سَوْفَ تَعْلَمُونَ) (الانعام :۶۷)

از جمله آثار دنیوی می‌توان به «غضب الهی» اشاره کرد که هم ظهور دنیوی دارد و

هم اخروی. غضب در لغت به معنای «شدّت در برابر شیء دیگر» است (مصطفوی،۱۳۶۰، ج۷، ص۲۲۹) و غضب در خداوند سبحان همان «شدّت و حِدّت» است که در کیفر کافران اِعمال می‌گردد (جوادی‌آملی،۱۳۸۹،ج۱، ص۵۱۶). حضرت زهرا سلام الله علیها خطاب به مردم می‌فرماید: غصب به ناروای مقام خلافت، غضب الهی را در پی خواهد داشت «مَوْسُومَةً بِغَضَبِ الْجَبَّار» و شما در دنیا و آخرت از مغضوبین محسوب می‌شوید. و پیامد عضب الهی ضرر و خسرانی است که در دنیا و آخرت گرفتار آن خواهید شد. خسران در لغت به معنای کم شدن سرمایه زندگی است. گاهی واژه خسران در باره دستاوردهای زندگی مثل مال و مقام دنیائی است و گاهی در زیانمندی دستاوردهای و نتایجی که از حالات نفسانی حاصل می‌شود مثل از دست دادن ایمان. حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها به صورت مکرر، رفتار مردم در پیروی از ائمه باطل را که منجر به از دست دادن ایمان و خارج شدن از مدار حق است خسران ذکر کرده‌اند.

حضرت زهرا سلام الله علیها با استناد به آیه (فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتيهِ عَذابٌ يُخْزيهِ وَ يَحِلُّ عَلَيْهِ عَذابٌ مُقيم) (هود :۳۹) حضار را متوجه عذاب دنیوی و اخروی می‌کند؛ در جمله «مَنْ يَأْتيهِ عَذابٌ» منظور از عذاب، عذاب دنیوی است که موجب انقراض و ریشه کن شدن می‌شود، و آن همان عذاب گمراهی و دور شدن از حق و صراط مستقیم است؛ و مراد از« عذاب مقیم» عذاب آتش در آخرت است که عذابی ثابت و دائمی است، دلیل این، مقابله‌ای است که در این دو واقع شده، و کلمه عذاب- به صورت نکره یعنی بدون الف و لام در عبارت- تکرار شده و اولی توصیف به اخزاء و دومی به اقامه شده است. (طباطبایی،۱۴۱۷، ج۱۰، ص ۲۲۵)

از عذاب‌های اخروی دیگر که حضرت به آن اشاره کرده، احاطه آتش جهنم بر کافران است (وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَفِرِين) (التوبه:۴۹). محیط در لغت به معنای فراگیر است و در منع و ممانعت نیز بکار می‌رود (راغب اصفهانی،۱۴۱۲، ص ۲۶۵). در آیه فوق می‌توان گفت: کفر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

باعث می‌شود انسان گناه را بر روی گناه انباشته کند و پیوسته گناهانی بزرگتر انجام می‌دهد تا بر دلش مهر زده شود و پس از آن امکان رهایی و خروج از فرو رفتن بیشتر در گناه برایش فراهم نمی‌شود؛ چنین فردی جایگاهش دوزخ و آتش است، آتشی که شعله‌ور است و بر هر چیز احاطه دارد و به باطن‌ها نیز سرایت می‌کند (نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ* الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَىَ الْأَفْئِدَةِ) (التوبه:۴۹) چرا که فقان افرادی هستند که سعی در پوشاندن کفر خویش دارند و تظاهر به ایمان می‌کنند. حضرت با ذکر این آیه در صدد بیان این مطلب است که گرچه در این دنیا باطن شما آشکار نگردد، در آخرت به سبب بروز باطن‌ها و آنچه در قلب‌هایتان پنهان می‌کردید، آتشی سوزان از قلب‌هایتان شعله‌ور خواهد شد.

در مجموع می‌توان گفت پیروی از ائمه باطل سرانجامی جز آتش غضب‌الهی را در بر نخواهد داشت و به تعبیر قرآن کریم ائمه باطل افرادی هستند که دیگران را به سوی آتش دعوت می‌کنند (وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَىَ النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ لَا يُنصَرُون) (القصص:۴۱) پیامد اخروی دیگری که ائمه باطل را فرا می‌گیرد «عدم نصرت» است، به این معنا که شفاعت هیچ ناصری به ایشان نخواهد رسید (طباطبایی،۱۴۱۷، ج۱۶، ص۳۸). شفاعت در لغت از ماده شَفْع به معنای جفت و در مقابل وتر است (ابن منظور،۱۴۱۴، ج ۸، ص۱۸۴) و در حقیقت پیوستن و ضمیمه شدن چیزی به چیزی دیگر می‌باشد. به عبارت دیگر شفاعت یعنی پیوستن و انضمام به کسی که از نظر حرمت و مقام، بالاتر از کسی است که مادون اوست که مورد شفاعت قرار می‌گیرد. و این معنی شفاعت در قیامت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص۴۵۷). ائمۀباطل در دنیا به سبب گریز از رحمت‌الهی که هدایت محسوب می‌شود، در واقع خود را از شفاعت در آخرت محروم کرده‌اند. قرآن‌کریم محرومین از شفاعت را ظالمان (غافر:۱۸) منافقان (منافقون:۶) و اهل شرک (نساء:۴۸) معرفی کرده است.

جمع‌بندی

خطبه فدکیه حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها با درجه اعلا از حیث صحت سند، اعتراضی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

به انحراف از امامت الهی و برای برگرداندن خلافت عظمای الهی و اصلاح امتی است که می‌خواهد با ناسپاسی نعمت هدایت، به جاهلیت نخست خود بازگردد. در فرهنگ شیعه، «فدک» نمادِ معنایی بزرگ است که هرگز در محدوده یک قطعه زمین نمی‌گنجد و همین معنا رمزی است که درگیری را از مخاصمه سطحی و محدود، به چالشی همیشگی تبدیل کرد، غصب فدک به منظور جلوگیری از رواج هدایت حضرت زهرا سلام الله علیها و حضرت علی علیه‌السلام و قدرت گرفتن دوباره بنی‌هاشم، صورت گرفت.

شهری که پیامبر کوشید بر پایه توحید، نبوت، عدالت، امامت و معاد بنیان نهد، با رحلتش، به دست کفر و نفاق فرو ریخت. افرادی که امامت و ولایت حق را نخواهند عملاً خود را از هدایت، سعادت و شفاعت دنیوی و اخروی محروم ساخته‌اند؛ زیرا بدون وجود امام حق، عدالت پا بر جا نخواهد ماند. وجود امام حق به عنوان مظهر و خلیفه اسمای حسنای الهی متمّم توحید پروردگار است و به واسطه وجود شناخت امام حق می‌توان به توحید حقیقی دست یافت. با این اوصاف ائمه باطل با محو نهادهایی که پیامبر در جامعه بنا نهاده بود، عملاً مردم را از حق اختیار خود محروم ساختند.

ائمه باطل در گام اول با چهره نفاق در میان مردم ظاهر شدند، با شعار پرهیز از فتنه خلافت را غصب کردند، با پیروی از هوای نفس جامعه را گرفتار باطل کردند و راه کشف حقیقت را بر مردم بستند. آنچه حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها در چهره نفاق گونه آنها می‌دید، آینده‌ای بود که به کفر منجر خواهد شد و جامعه را عملاً از هدایت و سعادت محروم خواهند کرد. تاریخ گواه نگرانی‌های حضرت زهرا سلام الله علیها است که پس از حکومت خلفاء سه‌گانه، حکومت به بنی‌امیه، امویان، عباسیان، عثمانیان و... رسید؛ از این رو جامعه را به اعتراض و هوشیاری در برابر این واقعه ترغیب می‌کند، اما قلب‌هایی که به واسطه کفر و نفاق بر آنها قفل زده شده بود، هشدار حضرت را نشنید و از به آن رضایت درونی داد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

ائمه باطل نه تنها خود در گمراهی به سر می‌بردند، بلکه اسباب گمراهی پیروانشان را نیز فراهم می‌کنند. در دعوت خود به سوی آتش عذاب الهی، از ابزار تلبیس و تدلیس استفاده می‌کنند، سبب امتزاج حق و باطل می‌شوند و آنها را سرگرم ظواهر دنیا چون مقام و موقعیت می‌کنند. دعوتی که از سوی ائمه باطل در دنیا صورت می‌گیرد، در دنیا و آخرت دارای پیامدهایی چون گرفتار شدن به غضب الهی، خسران، عذاب آتش و عدم برخورداری از نصرت و شفاعت در قیامت است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

منابع

۱. ***قرآن کریم***، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم،۱۴۱۵ ق.

۲. ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، ***شرح نهج البلاغه***، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۵ ق.

۳. ابن أبی طاهر، احمد بن أبی طاهر، ***بلاغات النساء***، قم، الشریف الرضی، بی تا.

۴. ابن بابویه، محمد ابن علی، ***الامالی***، چاپ پنجم، بیروت، انتشارات اعلمی،۱۳۶۲ش.

۵. ابن فارس، احمد، ***معجم مقاییس اللغه***، تهران، انتشارات علوم اسلامی،۱۴۰۴ش.

۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، ***لسان العرب***، چاپ اول، بیروت، دار صادر،۱۴۱۴ق.

۷. اربلی، علی ابن عیسی، ***کشف الغمة في معرفة الأئمة***، مصحح: هاشم رسولی محلاتی، تبریز، نتشارات بنی‌هاشم ،۱۳۸۱ ق.

۸. امین اصفهانی ، نصرت، ***مخزن العرفان در تفسیر قرآن***، تهران، نهضت زنان مسلمان،۱۳۶۱ش.

۹. ایزتسو، توشیهیکو، ***مفاهیم اخلاقی – دینی در قرآن***، ترجمه فریدون بدره‌ای، چاپ دوم، تهران، نشر و پژوهش فرزان روز،۱۳۶۰ش.

۱۰. بحرانی ، سیدهاشم ،***الإنصاف فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر***علیهم‌السلام، ترجمه: هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،۱۳۷۸ق.

۱۱. تهرانی، مجتبی، ***شرحی کوتاه بر خطبه فدکیه***، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی مصابیح الهدی،۱۳۹۱ش.

۱۲. جوادی آملی، عبدالله، ***تسنیم*** ، قم، مرکز نشر اسراء،۱۳۸۹ش.

۱۳. _____، ***فطرت در قرآن*** ، چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسراء،۱۳۸۴ش.

۱۴. جوهری بصری، احمد ابن عبدالعزیز، ***السقیفه و فدک***، تهران، مکتبة نینوی الحدیثه، بی تا.

۱۵. حسینی زنجانی، سید عزالدین، ***حکمت فاطمی***، به کوشش سید محمد حسینی زنجانی، قم، بوستان کتاب،

۱۳۸۸ش .
۱۶. خزعلی، مرضیه، ***بررسی شیوه سیاسی حضرت زهرا سلام الله علیها با کاوشی در خطبه فدکیه***، فصلنامه صحیفه مبین، ۱۳۸۵ش، شماره۳۸.
۱۷. دشتی، محمد، ***فرهنگ سخنان حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها***، چاپ دوازدهم، قم، انتشارات مشهور، ۱۳۸۶ش.
۱۸. رحیم پور، فروغ، ***«تحلیلی از ساختار حق و باطل در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان»***، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش دینی، سال پنجم، ۱۳۸۵ش، شماره ۱۳.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ***المفردات فی غریب القرآن***، چاپ اول، بیروت، دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۲۰. ریعان، معصومه، ***خطبه فدکیه، تفسیری بر آیات قرآن کریم***، فصلنامه بانوان شیعه،۱۳۸۴ش، شماره۴.
۲۱. زورق، محمد حسن، ***شهر گمشده***، چاپ چهارم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،۱۳۸۷ش.
۲۲. سامرائی، فاضل صالح، ***المتشابه الفظی من آی التنزیل***، عمان، دار العمار، ۱۴۳۰ق.
۲۳. سیوطی، جلال الدین، ***الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور***، قم، کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی،۱۴۰۴ق.
۲۴. صدر، سید محمد باقر، ***فدک در تاریخ***، ترجمه محمود عابدی، تهران، انتشارات روزبه، ۱۳۶۰ش.
۲۵. طباطبائی، سید محمد حسین، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۲۶. طبرسی، احمد بن علی، ***الإحتجاج علی أهل اللجاج***، مصحح: سید محمد باقر خرسان، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو،۱۳۷۳ش.
۲۸. طریحی، فخرالدین بن محمد بن علی، ***مجمع البحرین***، قم، مؤسسةالبعثه،۱۴۱۶ق.
۲۹. طوسی، محمد ابن حسن، ***تلخیص الشافی***، قم، دارالکتاب الاسلامیه،۱۳۹۴ق.
۳۰. طیب، سید عبد الحسین، ***اطیب البیان فی تفسیر القرآن***، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلام،۱۳۷۸ش.
۳۱. عسکری، سید مرتضی، ***نقش ائمه در احیای علوم دین***، چاپ چهارم، تهران، انتشارات منیز،۱۳۸۸ش.
۳۲. _____ ، ***سقیفه***، به کوشش مهدی دشتی، تهران، انتشارات منیز،۱۳۸۸ ش.
۳۳. فراهیدی خلیل بن احمد، ***کتاب العین***، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ق.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ***الکافی***، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیة،۱۴۰۷ق.
۳۵. کیانی، زهره، ***«معناشناسی فتنه در قرآن و نقش اسماء الهی در آن»***، پژوهشنامه معارف قرآن کریم، ۱۳۹۰ش، شماره۱۰.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]

۳۶. مجلسی، محمد باقر، ***بحار الانوار لدرر اخبار الائمة الاطهار***، چاپ دوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی ،۱۴۰۳ق.
۳۷. _____، ***زندگانی حضرت زهرا سلام الله علیها***، ترجمه: محمد روحانی علی آبادی، تهران، انتشارات مهام، ۱۳۷۹ش.
۳۸. مسعودی، علی ابن الحسین، ***مروج الذهب***، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵ ش.
۳۹. مصباح، محمد تقی، ***«شفاعت در قرآن»***، فصلنامه علمی- پژوهشی قرآن شناخت، سال پنجم،۱۳۹۱ ش، شماره۱.
۴۰. مصطفوی، حسن، ***التحقیق فی کلمات القرآن الکریم***، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب،۱۳۶۰ش.
۴۱. موسوی خوانساری، احمد، ***مقامات حضرت فاطمه سلام الله علیها در کتاب و سنت***، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵ش.
۴۲. یزدی مطلق، محمود و جمعی از نویسندگان، ***امامت پژوهی***، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی،۱۳۸۷ش.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.8.7]